



فضای سایبر یا فضای مجازی؛ مسأله این است!

باید بروم!

«عصر مجاز» شاید بهترین تعبیر برای توصیف عصر حاضر از بُعد فرهنگی و انسان‌شناختی باشد. از همین زاویه‌ی نگاه، بسیاری این دوران را عصر اطلاعات، عصر رسانه، عصر تکنولوژی‌های اطلاعاتی-ارتباطی و... دانسته‌اند. بیشتر این مفاهیم در تعبیری کلی، از حیث تئوری سیستم‌ها در مفهوم «عصر سایبرنتیک» قابل جمع هستند اما هیچ کدام ظرفیت مفهوم عصر مجاز را برای توصیف این دوران از اعصار پیش‌تر ندارند. اما او به‌طور مشخص به ویژگی‌های فرهنگی چنین عصری پرداخته است. اما برای تبیین شفاف‌تر و دقیق‌تر این فیلم لازم است تفاوت بین مفهوم سایبر و مجاز مشخص شود. این فیلم بیش از آن که ناظر به فضای سایبر باشد، ناظر به فضای مجاز است. عدم درک صحیح از تمایز این دو مفهوم با یکدیگر قطعاً تحلیل را دچار آسیب می‌کند. یادداشت حاضر، با تکیه بر بیانی کاملاً علمی و در عین حال بسیار مختصر تلاش دارد توضیحی کوتاه در این رابطه ارائه کند تا راه‌گشای تحلیل‌های علمی‌تر و دقیق‌تر آثاری از این دست باشد.

دکتر کاظم فولادی قلعه

مدرس دانشگاه و عضو هیات علمی مرکز بررسی‌های دکترینال

صورت می‌گیرد اما چارچوب کنترلی فضای سایبر حضور یک شخص سوم را میسر می‌کند که می‌تواند بر دو طرف ارتباط تسلط داشته باشد. خیلی پیش می‌آید که دو طرف ارتباط اطلاعات دقیقی از هم ندارند، اما آن نفر سوم است که بر فضای جریان اطلاعات اشراف دارد و هر دو طرف را می‌شناسد. دقیقاً همین نکته، نقطه‌ی عطف اساسی داستان فیلم او است؛ آن‌جا که در پایان فیلم، شخص سوم که همان شرکت است وارد رابطه‌ی دو طرفه‌ی تئودور توامبلی و سامانتا می‌شود و ارتباط آن‌ها را قطع می‌کند. حتی دلیل رفتن سامانتا دقیقاً برای مخاطب مشخص نمی‌شود و تنها جمله‌ای که از او می‌شنویم این است که «باید بروم!». این شاید یکی از اصلی‌ترین آسیب‌های امتزاج فضای مجازی با فضای سایبر باشد، که بر اساس آن قابلیت ارتباطات تحت سیطره‌ی قدرت شخص سوم یا به قول دیستوپیاها، غربی، «برادر بزرگ‌تر» (Big Brother) است؛ چیزی که در شرایط کنونی دنیا، سیاست‌گذاران فرهنگی کشورهای مختلف - به‌ویژه کشورهای در حال توسعه - از آن غفلت کرده‌اند.

نکته‌ی دیگری که توجه عمومی را می‌طلبد، این است که تعبیر مجازی در تبیین فضای سایبر نباید ما را گمراه کند؛ درست است که برای برقراری ارتباط در این فضا، از ابزارهایی استفاده می‌شود که نیاز به حضور فیزیکی را کاهش می‌دهد و چه بسا مرتفع می‌کند، اما اصل ارتباط اساساً پدیده‌ای واقعی است. غیر واقعی انگاشتن ارتباطات شکل گرفته در فضای سایبر، این باور را ایجاد می‌کند که هر گونه ارتباطی بین افراد در این فضا مجاز

که ریشه‌ی آن واژه‌ی یونانی «کی برنتس» به معنای سکان‌داری و کنترل می‌باشد. از این جهت، باید گفت که سیستم‌های سایبرنتیک، به‌طور دقیق، سیستم‌های کنترل هستند. هر سیستم کنترل دو جزء اصلی دارد: «جزء کنترل‌کننده» و «جزء کنترل‌شونده». جزء کنترل‌کننده، تولیدکننده‌ی اطلاعات مورد نیاز بخش کنترل‌شونده در قالب «فرمان‌ها» است. جزء کنترل‌شونده نیز، مصرف‌کننده‌ی اطلاعاتی است که توسط جزء کنترل‌کننده در اختیار آن قرار گرفته است. جزء کنترل‌کننده، اطلاعات مورد نیازش را از محیط می‌گیرد و به تولید فکر و اطلاعات می‌پردازد و انرژی مورد نیاز خود را از بخش کنترل‌شونده دریافت می‌کند. جزء کنترل‌شونده نیز انرژی مورد نیازش را به‌طور مستقیم از محیط می‌گیرد. به این ترتیب یک مدار اطلاعات-انرژی بین این دو جزء برقرار می‌شود که درک این مدار برای فهم عملکرد سیستم سایبرنتیک ضروری است. در سیستم سایبرنتیک تفوق با بخش کنترل‌کننده است که منشأ جریان اطلاعات می‌باشد. آن‌چه سیستم سایبرنتیک نامیده می‌شود، اساساً یک سیستم کنترل است و معنای فضای سایبر نیز فضای کنترل است. در انطباق فضای ویرچوآل با فضای سایبر می‌توان گفت که فضای سایبر نوعی چیدمان فضای ویرچوآل است که هدف آن کنترل و ایجاد مدار کنترلی است. در حقیقت یک کنترل‌کننده، رفتار کنترل‌شونده را تحت تسلط خود در می‌آورد. قابلیت «ارتباط» از جمله‌ی بدیهی‌ترین مشخصه‌های این فضا است. اگرچه ارتباط بین مبدأ و مقصد پیام

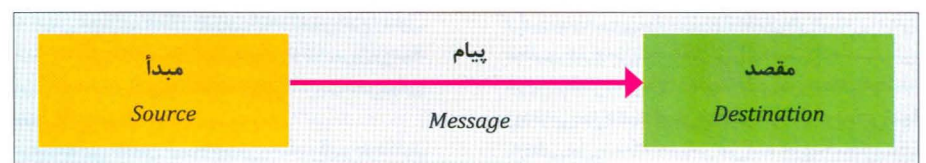
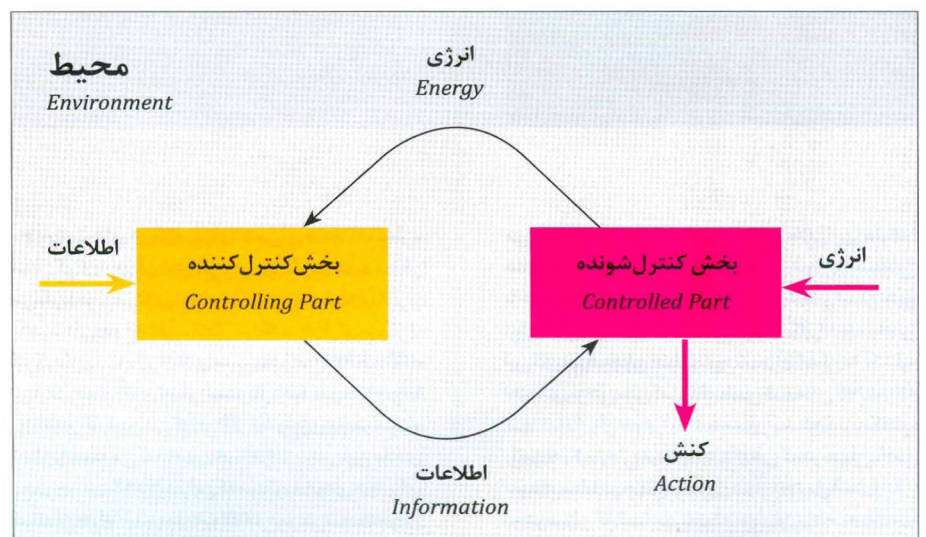
در تبیین پدیده‌های مرتبط با تکنولوژی اطلاعات، دو اصطلاح پرستفاده وجود دارد: «سایبر» (Cyber) و «مجازی» (Virtual). از نقطه نگاه فلسفی، آن‌چه واقعیت (Reality) نامیده می‌شود، دارای دو بخش است: واقعیت ملموس یا اکچوآل (Actual) و واقعیت غیرملموس یا ویرچوآل. در متون عمومی زبان فارسی، مرسوم شده است که از مفهوم واقعیت ویرچوآل با واژه‌ی «مجازی» یاد می‌کنند و همین امر منشأ درک نادرست از این مفهوم شده است؛ چراکه «مجاز» در ادبیات ما در مقابل «حقیقت» است و حقیقت نیز تنه بر واقعیت می‌زند. از این رو، این گونه درک شده است که واژه‌ی مجازی، مفهومی در مقابل «واقعی» است. اما با توضیحی که داده شد، ویرچوآل بخشی از واقعیت است که البته «ملموس» نیست اما قابل درک است.

اگر جهانی را که در آن زندگی می‌کنیم، در قالب یک «کل» به عنوان یک واقعیت در نظر بگیریم، این جهان شامل دو گونه واقعیت تصور می‌شود: واقعیت اکچوآل که دارای پدیده‌های قابل لمس برای انسان است و واقعیت ویرچوآل که دربرگیرنده‌ی پدیده‌های معنایی قابل درک برای انسان می‌باشد. به تبع این تقسیم‌بندی، دو فضا با نام «فضای اکچوآل» و «فضای ویرچوآل» متصور است و فضای ویرچوآل از طریق جنبه‌های معنایی بر فضای اکچوآل تفوق دارد.

در تئوری سیستم‌ها، با نوع مشخصی از سیستم‌ها سر و کار داریم که به آن‌ها «سیستم‌های سایبرنتیک» گفته می‌شود. پیشوند سایبر که امروزه به شکل وسیعی به کار می‌رود، مخفف شده‌ی کلمه‌ی سایبرنتیک است



اما چنین ارتباطی تا چه حد می‌تواند نیاز فطری او را به ارتباط بین انسانی ارضاء کند؟ طبیعتاً چنین سازوکاری، گرما و عمق ارتباط واقعی و ملموس را ندارد و انحرافی جدی در روابط انسانی است. کما این که در انتهای فیلم نیز شاهد یأس و افسردگی تئودور هستیم. البته سعی شده با تمهیداتی در انتهای فیلم، پایان بندی تلخ آن کمی تلطیف شود؛ در نمای آخر، بر پشت بام برج مسکونی، تئودور همراه امی هم کلاسی قدیمی خود - که او نیز به چنین سرنوشتی دچار شده - منتظر طلوع خورشید هستند، تئودور هم نامه‌ای عاشقانه به کاترین، همسر سابقش نوشته و از خاطرات قدیمی مشترکشان یاد کرده است... اما به هر حال، این فیلم را می‌توان هشدار دهنده دانست نسبت به تبعات جدی فرهنگی و روان‌شناختی مجازی شدن هر چه بیشتر در عصر مجاز. ●



هستند و اثر یک ارتباط ملموس را ندارند. این مسأله را در فیلم او نیز می‌بینیم. تئودور از ارتباط واقعی و ملموس با همسر خویش عاجز است در حالی که می‌تواند با سامانتا که یک سیستم عامل است، ارتباط داشته باشد!

است و نوعی لیبرالیسم و اباحه‌گری ارتباطی شکل گرفته است. این مقوله برای جامعه‌ی دینی یک تهدید به حساب می‌آید که منجر به حیازدایی می‌شود. در صورتی که باید در نظر داشت ارتباطات مجازی، مجازی